

عوامل مهم نفوذ و گسترش زبان فارسی در شبه قاره

علی محمد مؤذنی *

گرچه هندی در عذوبت شکر است
فارسی از رفعت اندیشه‌ام

طرز گفتار دری شیرین تر است
در خورد با فطرت اندیشه‌ام

«علامه اقبال»

زبان فارسی شاخه‌ای از زبان‌های هند و ایرانی است که خود نیز از زبان‌های هند و اروپایی منشعب شده است و بدین لحاظ با زبان هندی پیوندی دیرین و نژادی دارد. محققان بر این باورند که اقوامی که از دیرباز در شبه قاره و فلات ایران و آسیای میانه می‌زیسته‌اند، هم نژاد بوده و از شمال اروپا به این نواحی کوچیده‌اند و از این رو پیوندها و شباهت‌های بسیاری بین دو زبان فارسی و هندی یافت می‌شود. گذشته از این خویشی، زبان شیرین فارسی مقارن با ورود غزنویان به شبه قاره راه یافت و در آن زمان به عنوان زبان درباری و رسمی برگزیده شد و این موقعیت همچنان تا دوره‌های بعد: «غوریان»، «سلاطین دهلی» (خلجی، تغلق، سادات و لودی)، «سلاطین گورکانی» (از قبیل بابر، همایون، اکبر، جهانگیر، شاهجهان، اورنگ‌زیب عالمگیر و بهادر شاه ظفر) ادامه داشت. بدین سان زبان فارسی سرتاسر شبه قاره را درنوردید و نویسندگان و شاعران و دانشمندان نامداری را در دامان خود پروراند که آثار ارزشمندی به زبان فارسی از آنها به یادگار مانده است. به طور خلاصه نفوذ و گسترش زبان فارسی در شبه قاره را می‌توان معلول عوامل ذیل دانست:

* - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران (ایران).

عوامل مهم نفوذ و گسترش زبان فارسی در شبه قاره

الف - انتخاب زبان فارسی به عنوان زبان رسمی دربار

چنانکه اشاره شد، زبان فارسی همراه با ورود غزنویان از طریق تنگه خیبر به شبه قاره راه یافت و به عنوان زبان رسمی دربار برگزیده شد. غزنویان، لاهور را مقر فرماندهی و پایتخت خویش قرار دادند و از اینرو، لاهور به جایگاهی مناسب برای گز و فرّ سیاسی، نظامی، فرهنگی و غیره تبدیل شد. طبیعی است امواج فرمان‌ها و قوانینی که از دربار غزنویان و فرمانروایان بعدی صادر می‌شد، به سرعت سرتاسر قلمرو سیاسی و جغرافیایی آنها را پیمود و زبان فارسی را با خود از یک سو به سوی دیگر برد. از طرفی دیگر نویسندگان، شعرا و مورخان دربار، آثار خود را به فارسی می‌نگاشتند و با آفرینش‌های هنری و ادبی در انواع قالب‌های رایج شعری متناسب با آن روزگار، بر غنای ادب فارسی می‌افزودند. تأثیر این عامل به حدّی بود که لازم شد گروه زیادی از هندوان که از قبل در مناصب منشی‌گری و اداری دربار و سازمان‌های وابسته به خدمت اشتغال داشتند، با رغبت زبان فارسی را بیاموزند.

ب - توجه به فارسی به عنوان «زبان مذهبی»

دین مبین اسلام یک بار در اواخر قرن اول هجری به وسیله جمعی از سپاهیان تحت فرماندهی محمد بن قاسم به نواحی غربی شبه قاره (سند) راه یافت، در این دوره وسیله تبلیغ اسلام، زبان عربی بود و از اینرو دانشمندانی که از عراق و شام به شبه قاره آمده بودند به تدریس زبان و ادبیات عربی پرداختند و بار دیگر، چنانکه قبلاً یاد شد، ورود اسلام به شبه قاره در مراحل بعدی از طریق ایران، توسط غزنویان انجام گرفت. در این برهه از زمان بود که زبان فارسی به عنوان زبان دوم اسلام شناخته شد و مشخصه بارز مسلمانان در مقابل پیروان سایر ادیان شد. این زبان نه تنها مورد توجه و استقبال مسلمانان واقع گردید بلکه غیر مسلمانان نیز به آموختن آن روی آوردند. از این دوره به بعد مبلغان مذهبی چون بیشتر از ایران و ماوراءالنهر به شبه قاره آمده بودند، زبان فارسی را وسیله تبلیغ و ارتباط خود قرار دادند که این خود عامل مهمی در پیشرفت زبان فارسی به شمار می‌آید.

ج - مهاجرت مبلغان، نویسندگان، شعرا و علما به شبه قاره

گروهی از مبلغان مذهبی به منظور تبلیغ اسلام - از اقصی نقاط ایران و ماوراءالنهر - به شبه قاره مهاجرت کردند و در آنجا اقامت گزیدند. این مهاجرت‌ها از دوره غزنویان آغاز شد و به تدریج در دوره‌های بعد بویژه با یورش خانمانسوز مغول به ایران به مقیاس افزون‌تری ادامه یافت. علی بن عثمان هجویری، معروف به حضرت «داتا گنج بخش» - صاحب کتاب معروف کشف المحجوب - به اشاره پیر خود یعنی «شیخ ابوالفضل محمد بن الحسن الختلی» از غزنه به لاهور مهاجرت کرد و در آنجا رحل اقامت افکند و پس از سالها وعظ و تبلیغ در همان شهر خرقة تهی کرد که از آن زمان تاکنون مزارش قبله‌گاه دل‌های خاص و عام است. صائب تبریزی، عرفی شیرازی، عبدالقادر بیدل، امیرکبیر میر سید علی همدانی و گروه بی‌شمار دیگری از نویسندگان و عرفا نیز به تدریج از ایران به شبه قاره روی آوردند.

د - تشویق و حمایت حکمرایان شبه قاره از اهل علم و ادب

پشتیبانی و حمایت پادشاهان شبه قاره بویژه پادشاهان گورکانی و رجال دربار آنها مانند «بیرم خان» و فرزندش «عبدالرحیم خانخانان» و «شاهزاده داراشکوه» از یک سو و کم توجهی صفویان در ایران نسبت به زبان فارسی از سوی دیگر، عامل مؤثری بود که دانشمندان و شعرا را از ایران به شبه قاره روانه ساخت. هر چند توصیف‌های شگفت آور از سرزمین هندوستان در این مورد بی‌تأثیر نبوده است، عموماً این مسئله به رشد و گسترش زبان فارسی در این ناحیه کمک شایانی کرده است، چنانکه ملک الشعرا بهار در این باره می‌نویسد:

«پادشاهان خاندان تیموری هند، ایران را وطن خود و ایرانیان را همشهری و همزبان خود می‌دانستند و از هوش و ذوق ایرانیان لذت می‌بردند و ثروت بی‌پایان هند و اقتضای آب و هوا که به استراحت و صحبت می‌کشید، نیز درباریان را به پذیرفتن مهمانان بدله‌گو و خوش زبان و هوشمند وادار می‌ساخت... بنابراین

در دهلی دربار بزرگتری تشکیل شد که باید آن را دربار ثانی ایران نامید بلکه دربار اصلی ایران، چه رواج زبان فارسی و ادبیات و علوم در دربار دهلی زیاده از دربار اصفهان بوده است و شکی نیست که در دربار اصفهان، پادشاهان و خاصان درگاه به زبان ترکی صحبت می‌فرموده‌اند. ولی در دربار دهلی، شاه و درباریان و حرمسرایان همه به فارسی گفتگو می‌کرده‌اند و در آن عهد، زبان فارسی در هند، زبان علمی و زبان متوقی و دلیل شرافت و فضل و عزت محسوب می‌شد و در دربار اصفهان هرگز زبان فارسی این اهمیت را پیدا نکرد^۱.

غلام علی آزاد بلگرامی، راجع به پرورش و تربیت اهل علم و فضل در دربار گورکانیان هند چنین می‌نویسد:

«در عهد ایشان هیچ خاندان عمده در ایران و توران نماند که در هندوستان نیامده و به دولتی و جمعیتی نرسیده باشد. چون اینها مرکز دولت را دایره‌وار احاطه کردند و در جذب مردم ولایت (ایران) حکم مغناطیس بهم رساندند، هر عاصی و سوقی به توقع منصب هفت هزاری جانب هند دوید تا به نجبا و ارباب کمال چه رسد، از آن جمله فرقه شعرا مثل غزالی مشهدی و عرفی شیرازی و ثنایی مشهدی و نظیری نیشابوری و نوعی خبوشانی و مشفق بخاری و حکیم رکناکاشی و طالب آملی و ابوطالب کلیم کاشانی و قدسی مشهدی و میرزا عنایت اصفهانی و دیگر جماعت لاتعد و لاتحصی...»^۲

ه - ساخت و ترکیب‌های ویژه زبان فارسی

زبان فارسی به لحاظ داشتن استعداد در وضع کلمات جدید و ترکیب‌های شیوا و موسیقایی کلام و وزن و آهنگ، در زبان و ادب اردو بویژه در شعر رسوخ یافته که هرگز

۱- سرور، پرفسور غلام: تاریخ زبان فارسی، قسمت ثر، ص ۸-۲۲۷.

۲- تذکره خزانه عامره، ص ۷-۱۱۶ به نقل از تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان، تألیف دکتر

سید علی رضا نقوی، ص ۳۵.

این آمیختگی ازین نمی‌رود. اولین شاعران اردو سرا، شاعران سترگی بودند که به فارسی شعر می‌سرودند. امیر خسرو و غالب دهلوی هر چند به عنوان بزرگترین شعرای اردو سرا مشهور شده‌اند، اما به اعتراف خودشان اعتبار و اهمیت اشعار فارسی آنها بر اشعار اردوی شان رجحان و برتری دارد و بدین لحاظ به اشعار فارسی خود افتخار کرده‌اند.

غالب دهلوی در این باره می‌گوید:

فارسی بین تا ببینی نقش‌های رنگ رنگ

بگذر از مجموعهٔ اردو که بی‌رنگ من است^۱

*

بیاورید گر اینجا بود زباندانی غریب شهر، سخن‌های گفتنی دارد^۲

و علامه اقبال نیز زبان فارسی را بهترین ابزار برای ابراز اندیشهٔ والای خود دانسته و می‌فرماید:

گرچه هندی در عذوبت شکر است طرز گفتار دری شیرین تر است

فارسی از رفعت اندیشه‌ام در خورد با فطرت اندیشه‌ام^۳

با اندک تأملی به شعر اردو می‌توان دریافت که واژه‌ها و ترکیب‌های فارسی و مطالعات شرقی و اسلامی جامع علوم انسانی به فراوانی در آن حضور دارد و موسیقی کلام و آهنگ ویژهٔ کلمات فارسی و عربی رایج در زبان فارسی، جمال و جلال دیگری بدان بخشیده است. گاهی در یک بیت شعر اردو بیش از چند واژهٔ معدود اردو که بیشتر حرف و فعل‌اند به چشم نمی‌خورد؛ مثلاً در این شعر غالب:

۱- نقوی، دکتر سید علی رضا: تذکرهٔ نویسندگان فارسی، ص ۳۶.

۲- سرور، پرفسور غلام: تاریخ زبان فارسی، ص ۲۴۸.

۳- سرور، احمد: کلیات فارسی اقبال، ص ۱۱.

از مهر تا به ذرهٔ دل و دل هم آینه طوطی کوشش جهت سے مقابل هم آینه

*

شب که برق سوز دل سے زهره ابر آب تھا شعله جوآله هر ایک حلقه گرداب تھا^۲

*

رفتارِ عمر قطع ره اضطراب هم اس سال کے حساب کو برق آفتاب هم^۳

یا در این بیت از منظومهٔ «ضرب کلیم» علامه اقبال که در آن حدود دوازده واژهٔ فارسی و عربی دخیل در فارسی وجود دارد:

هزار چشمه ترے سنگ راه سے پھوٹے خودی میں دوپ کے ضرب کلیم پیدا کرو

که متأثر است از آیهٔ وَ إِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَا عَشَرَٰ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ اُنَاسٍ مِّشْرَبَهُمْ كَلُوا وَ اشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَ لَا تَعْتَوْنَ اِلَى الْاَرْضِ مَفْسِدِينَ^۴. امیر خسرو دهلوی که بزرگترین و اولین شاعر اردو سرای شبه قاره محسوب می‌شود و همان مقام و عظمتی که رودکی در شعر فارسی دری دارد، حایز است، بسیاری از غزل‌های ملمع (اردو و فارسی) را سروده که خوشبختانه این کار باعث پیوند بیشتر زبان فارسی و اردو گردیده است و برای هر شخص مشتاق و علاقه‌مندی که بخواهد کاملاً به معانی این نوع اشعاری بی‌برد، لازم است نسبت به زبان فارسی نیز وقوف و اطلاع کافی داشته باشد؛ مثال:

شبان هجران دراز چو زلف و روز وصلت چو عمر کوتاه

سکھی پیاکو جو میں نہ دیکھوں تو کسے کاتون اندهیری رتیاں^۵

۱- غالب، میرزا اسدالله خان دهلوی: دیوان، ص ۶۹.

۲- همان، ص ۱۷.

۳- همان، ص ۸۷.

۴- بقره، آیه ۶۰.

۵- نقوی، دکتر حیدر شهباز: راهنمای زبان اردو، چاپ دانشگاه تهران، ص ۸۵.

زبان فارسی چنان در شعر و ادب و زبان اردو ریشه دوانیده است که هرگز پیوندشان گسستنی نیست و به جرأت می‌توان گفت واژه‌ها و ترکیب‌های مشترک بین دو زبان به بیش از شصت و پنج در صد بالغ می‌شود. متأسفانه با وجود سابقه طولانی این زبان و اهمیت آن در شبه قاره، از اواخر عهد گورکانی یعنی زمان سلطنت بهادر شاه ظفر به دلایل گوناگون و نیز نفوذ خارجیان بویژه دولت بریتانیا در شبه قاره و متداول شدن زبان اردو و انگلیسی، زبان فارسی از رونق و رواج پیشین افتاد. ولی علی‌رغم این رویداد، هنوز شاعران و نویسندگان و محققان و شیفتگان بی‌شماری بوده و هستند که نسبت به زبان فارسی مهر می‌ورزند و در روشن نگه‌داشتن مشعل آن می‌کوشند. با این وجود لازم است فرهنگیان و ادب‌دوستان این مرز و بوم به عنوان پاسداری از این سابقه فرهنگی نسبتاً طولانی خود که متجاوز از هشتصد سال است، و نیز این‌که تمام منابع تاریخی، ادبی، مذهبی، سیاسی و غیره این سرزمین به زبان فارسی نگاشته شده است، نسل کنونی و آینده - بویژه دانشجویان علوم انسانی را - با پشتیبانی و توجه به زبان فارسی و گنجاندن آن در مواد درسی رشته‌های: زبان اردو، فلسفه، تاریخ عمومی، اسلام‌شناسی، کتابداری و غیره به گذشته خود پیوند دهند و آنها را قادر سازند تا با استفاده از منابع دست اول که همگی به زبان فارسی است، پژوهشهای دقیق و سودمندی را به جهان دانش و ادب عرضه کنند - ان شاء الله.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی
